

## موقعیت دولت و شهروندان در عصر جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه

سمیه قنبری<sup>۱</sup>، زانیار پیوندی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> پیام نور، تهران zaniar.havall33@gmail.com

<sup>۲</sup> پیام نور، تهران S.ghanbari@pnu.ac.ir

### چکیده

در حالی که مدرنیته به دولت ملی اصالت می بخشد، شهروندان تحت شرایط خاصی از حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردار بودند که به نوبه خود فرآیند طولانی وابسته به نژاد، جنس، طبقه و مذهب داشت. اگرچه در اندیشه سیاسی یونان باستان مردم از برخی از این حقوق بهره مند می شدند، اما با ظهور دنیای جدید، مفهوم شهروندی دموکراتیک همه اعضای حکومت را فرا گرفت. هدف مطالعه حاضر ارزیابی موقعیت دولت و شهروندان در عصر جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه می باشد. این پژوهش به روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و شیوه نمونه گیری خوشه ای در میان حجم نمونه ۳۰۰ نفر از شهروندان در کشور ایران پرداخته است. نتایج نشان می دهد، میزان سرمایه اقتصادی و جهانی شدن زندگی شهروندان در حد متوسط می باشد. پاتنام و کلمن معتقدند که با وجود جهانی شدن زندگی، همکاری سیاسی کاهش می یابد، اما داده های موجود نشان می دهد با افزایش جهانی شدن همکاری سیاسی شهروندان افزایش می یابد. از نظر پاتنام گرایش های جهانی باعث می شود مشارکت اجتماعی کاهش یابد، اما این فرضیه نیز در این تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون رابطه علی بین جهانی شدن و سرمایه اقتصادی ضعیف است. تحلیل مسیر، نشان می دهد، فقط جهانی شدن زندگی سیاسی بر سرمایه اقتصادی تأثیر مستقیم دارد. اما جهانی شدن زندگی اقتصادی و سیاسی بر سرمایه اجتماعی تأثیر غیر مستقیم قابل توجهی دارند.

### واژه های کلیدی

کشورهای در حال توسعه جهانی شدن، سرمایه انسانی، تندرستی

### ۱. مقدمه

فقرا در جنوب صحرای آفریقا (SSA) زندگی می کنند (بانک جهانی ۲۰۱۷). پیامدهای وضعیت نامناسب رفاه تهدیدی برای توسعه انسانی، افزایش بهره وری، صلح اجتماعی، ثبات سیاسی و در نتیجه توسعه کلی اقتصادی است (آپتن و همکاران ۲۰۱۶). بر این اساس، بانک جهانی (۲۰۱۷) بر لزوم قرار دادن مبارزه با فقر در همه ابعاد آن به عنوان دستور کار اصلی در برنامه‌ها و برنامه‌های تحقیق و توسعه سیاسی- اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه تاکید می‌کند.

بسیاری از کشورها - از جمله کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته - ادغام و باز بودن را به عنوان بخشی از اصلاحات خود در سه دهه گذشته با هدف اصلی ارتقای رشد اقتصادی و بهبود نتایج رفاهی ارتقا داده اند. در حالی که برخی از کشورها از مزایای جهانی شدن بهره برده‌اند، به نظر می‌رسد بسیاری دیگر، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، آن‌طور که انتظار می‌رفت به دست نیامده‌اند. بحث در مورد ابهام مزایای جهانی شدن از دیدگاه نظری و تجربی به خوبی مورد بحث قرار گرفته است. با توجه به قضیه تجارت استولپر-ساموئلسون از جهانی شدن (Heckscher-Ohlin (H-O)، جهانی شدن با کاهش نابرابری در کشورهای در حال توسعه همراه است و همچنین به کارگران با کمترین تحصیلات فرصت‌هایی را می‌دهد تا از مزایای جهانی شدن بهره مند شوند (کرمر و ماسکین ۲۰۰۳؛ لو گاف. و سینگ ۲۰۱۴). این دستاوردهای پیش‌بینی‌شده از جهانی‌سازی در سطح کشور ممکن است از طریق مکانیسم‌های قابل قبولی مانند جریان فرامرزی اطلاعات، دانش، ایده‌ها، فناوری، و باز بودن به تجارت بین‌المللی حاصل شود که منجر به بهبود بهره‌وری، سرمایه‌گذاری در نوآوری‌ها، تخصصی‌سازی و تخصیص کارآمد می‌شود. منابع (لی، ۲۰۱۴؛ پرکین، ۲۰۰۵). به طور مشابه، مجموعه قابل توجهی از ادبیات تجربی، دستاوردهای رفاهی ناشی از جهانی شدن را تثبیت کرده است. طیبی و اوحدی (۲۰۰۹)، بچتل (۲۰۱۴)، برگ و نیلسون (۲۰۱۴) و ها و کاین (۲۰۱۷) دریافتند که ادغام در اقتصادهای جهانی منجر به افزایش درآمد سرانه می‌شود و در نتیجه شکاف فقر و تعداد سران فقر را در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌دهد. مطالعه مشابهی توسط کالدرون و چونگ، ۲۰۰۱ نشان داد که جهت‌گیری صادرات ("باز بودن") به سمت فعالیت‌های ثانویه ممکن است با نابرابری درآمد کمتر در کشورهای توسعه یافته مرتبط باشد. با این حال، یافته‌های تجربی هنوز بر روی تأثیر مثبت جهانی‌شدن همگرا نشده‌اند، و به نظر می‌رسد که جهانی شدن می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه مضرتر باشد، که در بحران اقتصادی و اجتماعی اخیر در شرق آسیا و آمریکای لاتین مشهود است. برای مثال، کانپور (۲۰۰۰)، گاستون و راجاگورو (۲۰۰۹)، و برگ و نیلسون (۲۰۱۴) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که جهانی شدن در تمام ابعاد آن تنها شکافی را که بین گروه‌های با درآمد بالا و پایین در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، افزایش می‌دهد. به این معنی که فرصت‌های جهانی شدن ممکن است به طور مساوی بین شهروندان این کشورها توزیع نشود. در همین راستا، دو مطالعه قابل توجه بین کشوری در مورد کشورهای در حال توسعه که توسط کرمر و ماسکین (۲۰۰۳) و کالدرون و چونگ (۲۰۰۱) انجام شد، استدلال کردند که آزادسازی تجارت به طور مثبت با افزایش نابرابری مرتبط است و به نفع اقتصادهای در حال توسعه که عمدتاً فقیر هستند، نیست. کشورهای درآمدی از موارد فوق، شکاف در جهت تأثیر رفاهی جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه، بحث را بسیار نامشخص و باز باقی می‌گذارد.

### ۲. پیشینه پژوهش

موجودی سرمایه انسانی از نظر آموزش و سلامت در یک کشور به عنوان یک عامل تعیین کننده مهم رفاه، بهره وری و رشد اقتصادی در فقیرترین کشورهای جهان تلقی شده است (اگاندری و اکوس، ۲۰۱۸، های و بانی، ۲۰۱۸). دو مطالعه تجربی قابل توجه استدلال می‌کنند که افزایش دسترسی به آموزش به طور متوسط با توزیع عادلانه درآمد مرتبط است (نیل و جانسون ۱۹۹۶؛ اونیل ۱۹۹۰). به طور مشابه، هوآی و بانی (۲۰۱۸) دریافتند که افزایش ذخیره دانش به کاهش تعداد، شکاف و عمق فقر در کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند. با استفاده از جنوب صحرای آفریقا به عنوان مطالعه موردی، لو گاف و سینگ (۲۰۱۴) نشان دادند که افزایش ۱۰ درصدی در میزان اتمام مدارس ابتدایی می‌تواند تعداد سران فقر و شکاف فقر را به ترتیب ۲٫۸ و ۳٫۵ درصد کاهش دهد. بلوم و همکاران (۲۰۰۴)، اگاندری و عبدلیا (۲۰۱۴) و اگاندری و اوکانوس ۲۰۱۸ همچنین استدلال کردند که جمعیت‌هایی که سالم تر و تحصیلات بهتر هستند احتمالاً بهره وری بیشتری دارند و می‌توانند درآمد سرانه بالاتر و رفاه را بهبود بخشند. در مطالعه ای که توسط مایر (۲۰۰۱) انجام شد، مشخص

شد که سیستم های بهداشت ملی بهبود یافته در هجده کشور آمریکای لاتین به طور قابل توجهی منجر به کاهش تعداد روزهای از دست رفته به دلیل بیماری، ناتوانی و ضعف می شود و در نتیجه بهره وری نیروی کار، گردش مالی و دستمزد را افزایش می دهد .

ادبیاتی که به نظر می رسد با گذشت زمان در حال تغییر است. برخی از ویژگی های سرمایه انسانی احتمالاً جایی برای جهانی شدن دارند تا تأثیرات مفیدی بر رفاه در کشورهای در حال توسعه داشته باشند (لی، ۲۰۱۴). به عنوان مثال، بهبود رفاه جهانی شدن ممکن است به راحتی در کشورهایی با سیستم های آموزشی با کیفیت بالا آشکار شود. ادبیات اخیر یک رابطه متقابل بین جهانی شدن اقتصادی، سرمایه انسانی و نتایج رفاه را نشان می دهد (ها و کاین ۲۰۱۷؛ لو گاف و سینگ ۲۰۱۴). علی رغم این ملاحظات مرتبط، بیشتر مطالعات موجود تنها بر روابط یک به یک بین جهانی سازی و رفاه و همچنین بین سرمایه انسانی و رفاه، با تلاقی کم یا بدون تداخل، توجه را معطوف داشتند (برگ و نیلسون ۲۰۱۴) با توجه به موضوع تحقیق و در راستای هدف بررسی موقعیت دولت و شهروندان در عصر جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه میباشد. در طی انجام پژوهش با استفاده از نتایج به دست آمده به پرسش آیا موقعیت دولت و شهروندان در عصر جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه در حال تغییر است؟ میتوانیم پاسخگو باشیم.

### ۳. چارچوب نظری

#### ۱.۳ نظریه های جهانی شدن

سن سیمون بر چیده شدن مرزهای ملی را آرزو می کرد. از دیدگاه او، صنعتی شدن و جامعه شناسی (علم الاجتماع) دو نیرو و یا عامل مؤثر در فرایند جهانی شدن به شمار می آیند. به نظر سن سیمون، صنعتی شدن ذاتاً فرایندی گسترش طلب است و توسعه چنین فرایندی در جوامع غیر اروپایی، فراگیر شدن فرهنگ اروپایی را در پی خواهد داشت. بدین ترتیب صنعت و اقتصاد در خدمت همگونی فرهنگی و در نهایت در خدمت شکل گیری جامعه جهانی قرار خواهد گرفت. جامعه شناسی هم که انسان را چونان یک موجود اجتماعی، بررسی می کند، نقش مهمی در متحد ساختن انسان ها بازی خواهد کرد. پس صنعتی شدن و علم بازتاب منطق گریزناپذیر جهان گرایی و همبستگی پیشرفته جهانی است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۹۴). بنابراین از نظر سن سیمون، اقتصاد و جامعه شناسی باعث شکل گیری جامعه جهانی می شوند. مک لوهان را می توان از مهم ترین نظریه پردازانی دانست که نگاهی فرهنگی به جهانی شدن دارد. از نظر او، اصل تعیین کننده فرهنگ ما نه محتوای آن، بلکه نقش رسانه ای است که فرهنگ از طریق آن منتقل می شود. از نظر او، رشد رسانه الکترونیک به موازات دیگر جنبه های ارتباطی، سبب شکل گیری شبکه ارتباطی جهانی شده است که موجب جهانی شدن فرهنگ می شود (شهرام-نیا، ۱۳۸۶: ۷۱). گیدنز بر جنبه فرهنگی و اجتماعی فرایند جهانی شدن تأکید می کند و آن را فراتر از شکل گیری نظام جهانی می داند. برای درک درست جهانی شدن باید به نحوه گسست از جامعه سنتی و گذر به جامعه مدرن پی برد. گیدنز ابزار دست یابی به چنین درکی را توجه به جایگاه فضا و زمان و فرایند تحول آن ها می داند. گیدنز از دو مکانیسم صحبت می کند و آنها را شناسایی می نماید، نشانه های نمادین و نظام های تخصصی. نشانه های نمادین ابزارها یا واسطه های مبادله هستند که ارزشی استاندارد دارند و بنابراین در حوزه های بسیار گسترده و انواعی از جوامع و بسترها می توان آن ها را مبادله کرد. بارزترین و قدیمی ترین نمونه چنین نشانه هایی پول است، که زمان و فضا را در گستره نامتناهی به یکدیگر نزدیک و ترکیب می کند، چرا که ابزار اعتبار است و ارزش استاندارد آن امکان مبادله میان شمار زیادی از افراد را ممکن می سازد که هرگز یکدیگر را ندیده اند. نظام های تخصصی نیز به واسطه رواج دادن انواع دانش فنی دارای اعتباری مستقل از کاربرها و بهره مندان آن ها، زمان و فضا را پیوند می زند. چنین دانش هایی همه جنبه های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهند و در بسترهای بسیار گسترده قابلیت کاربرد دارند، مانند دانش پزشکی و فنی. گیدنز این دو مکانیسم را نظام های انتزاعی می نامد، که به هیچ روی مکان مند نیستند. کاربرد نظام های انتزاعی اساساً نیازمند اعتماد هستند. گرچه جدایی زمان و فضا و فرایند بی بستر شدن کنش ها و روابط اجتماعی، گستره چنین کنش ها و روابطی را بسیار فراخ تر ساخته، اعتماد کردن به نظام های بی مکان و غیر شخصی را هم گریزناپذیر کرده است. امروزه کسی نمی تواند تصمیم به کناره گیری از تحولات جهانی بگیرد. مثلاً نسبت به خطرات احتمالی یک جنگ هسته ای بی تفاوت بماند. هر رویداد یا تحول محلی می تواند بازتاب ها و تأثیراتی جهانی داشته باشد. از این دیدگاه میزان جدایی فضا و زمان چنان زیاد است که برای نخستین بار در تاریخ بشر، فرد و جامعه در بستر و محیط جهانی به هم مرتبط شده اند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۰). مالکوم واترز [۸] نظریه پرداز دیگری است که با بهره گیری از نظریه هایی پیشین و ترکیب آن ها، به ترکیب و مفهوم بندی فرایند جهانی شدن می پردازد. او برای ارائه تصویری مطلوب و مناسب از فرایند جهانی شدن

ابتدا می‌کوشد دنیای کاملاً جهانی شده را تعریف کند. واترز هم به جنبه عینی و مادی جهانی شدن نظر دارد و هم به جنبه ذهنی آن یا عنصر آگاهی. البته عنصر آگاهی در نظریه واترز اهمیت ثانویه دارد (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۴۹). واترز در کتاب جهانی شدن اشاره می‌کند که در اغلب بررسی‌های نظری، آثار جهانی شدن در سه عرصه زندگی اجتماعی مهم و اساسی تلقی شده‌اند عبارتند از: ۱. عرصه اقتصادی، مشتمل بر نظام‌های اجتماعی خاص تولید، مبادله، توزیع و مصرف کالاها و خدمات مادی. ۲. عرصه سیاست و حکومت، مشتمل بر نظام‌های اجتماعی مخصوص تمرکز و اعمال قدرت به ویژه در مبادله سازمان یافته مبتنی بر اعمال فشار و نظارت، از طریق نیروی نظامی، پلیس و نظایر آن و نیز نهادینه شدن، این اقدامات در قالب اقتدار سیاسی دیپلماسی به تثبیت کنترل بر جمعیت و سرزمین منجر می‌شود. ۳. عرصه فرهنگ، مشتمل بر نظام‌های اجتماعی خاص تولید، مبادله و نمادهایی که گویای واقعیت‌ها، احساسات، مفاهیم، اعتقادات، الویت‌ها، ذوق‌ها و سلیقه‌ها است (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۴۲). اسکلیز معتقد است، افزایش و گسترش روابط و کنش‌های فراملی در گستره جهانی باعث جهانی شدن اقتصاد، سیاست و فرهنگ شده است.

### ۲.۲ معنای شهروندی

شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به‌طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. از نگاه دیگر شهروندی رابطه‌ای است میان فرد و دولت که از طریق حقوق و ظایف متقابل با یکدیگر متحد می‌شوند (قوام، ۱۳۸۰: ۵۲). این درحالیست که موارد اطلاق بشر در میان کلیه انسان‌ها یکسان است، اما حقوق شهروندی خاص اجتماعات سیاسی ویژه‌ای است که معمولاً در چارچوب قوانین اساسی واحدهای سیاسی به اشکال گوناگون تعریف می‌شود. لازم به یادآوری است که مراحل اولیه تفکیک چندانی میان حقوق شهروندی و حقوق بشر وجود نداشت. این مورد را می‌توان در اعلامیه استقلال آمریکا یا اعلامیه حقوق بشر و حقوق شهروندی فرانسه دید (قوام، ۱۳۸۰: ۵۳). با ظهور دولت ملی تبیین اولیه از حقوق بشر نیز تحت الشعاع مفهوم شهروندی قرار گرفت و به گونه‌ای که هر یک از آنها مسیر جداگانه‌ای را طی کردند. تا آنجا که یکی در حقوق ملی و دیگری در حقوق بشر بین‌المللی تجلی پیدا کرد. لازم به ذکر است که قوانین اساسی واحدهای ملی همچنان بخش عمده‌ای از مشروعیت خویش را از آموزه حقوق بشر کسب می‌کنند (قوام، ۱۳۸۰: ۵۳).

از نگاهی دیگر شهروندی موجد سه نوع حق است. مدنی، سیاسی و اجتماعی. حوزه مدنی حقوق شهروندی عبارتند از: حفظ آزادیهای فردی، شامل: آزادی بیان، اندیشه، عقیده، حق مالکیت شخصی و حق برخورداری از عدالت. حق سیاسی نیز شامل حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی است که فرد به عنوان یکی از اعضاء جامعه از آن برخوردار است. (همان‌طور که مارشال گفته) حقوق اجتماعی در قرن ۲۰ در شکل مدرن خود با ایجاد نهادهای دولت رفاه شامل نظام آموزش ملی، آموزش همگانی، خدمات بهداشتی و اجتماعی توسعه یافته است (به نقل از نش، ۱۳۸۲: ۱۹۳).

با وجود این برخی از وجود ابهام یا تناقض در مفهوم شهروندی سخن می‌گویند. از دیدگاه کاستلز و دیویدسون شهروندی با وجود اینکه مستلزم شمولیت است، متضمن استثناء نیز هست. بدین معنا که شهروند بودن عده‌ای از افراد به واسطه شهروند نبودن عده‌ای دیگر است (همان‌طور که در جامعه یونان باستان بود). موضوع دوم مسئله محروم‌سازی رسمی است که بیش از همه در مورد مهاجران اعمال می‌شود. این تناقض بیانگر یک تضاد بنیادی‌تر میان شهروندی و ملیت و یا به عبارتی مفهوم شهروند به عنوان فردی جدا از ویژگی‌های فرهنگی و تبعه به‌عنوان عضوی از اجتماعی که براساس ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد، است (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۶۱).

تولی نیز معتقد است که مفهوم شهروند و شهروندی مفاهیم مبهمی هستند و معانی مختلفی از آنها استخراج می‌شود. چرا که از سویی به حاکمیت قانون و قانون اساسی و از سوی دیگر بر مشارکت دموکراتیک و حاکمیت عمومی معطوفند. وقتی مفهوم شهروندی با حاکمیت

قانون تعریف می‌شود به‌عنوان یک فرصت نگرینسته می‌شود. اما وقتی شهروندی را در ارتباط با دموکراسی تعریف می‌کنیم آنگاه یک مفهوم کاربردی است (تالی، ۲۰۰۵، ۲).

### ۳.۳ جهان سوم

جهان سوم اصطلاحی است که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رواج یافت و مقصود از آن مجموعه کشورهای تازه استقلال یافته قاره‌های آسیا و آفریقا و همچنین مجموعه کشورهای است که نه از شمار کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری به‌شمار می‌آیند نه از شمار کشورهای توسعه‌یافته کمونیست. در این معنی کشورهایمانند چین، کره شمالی و ویتنام و کامبوج نیز، اگرچه رژیم کمونیست دارند، در مجموعه جهان سوم می‌گنجد. عنوان‌های همدریف این اصطلاح برای این کشورها، کشورهای «توسعه نیافته»، «کم توسعه» یا «رو به توسعه» است. مفهوم جهان سوم بیشینه کشورهای امریکای لاتین و کشورهای آسیایی و آفریقایی را در برمی‌گیرد. بیشتر این کشورها پیشینه استعمارزدگی دارند (تک استعمار) و از امپریالیسم نفرت دارند و گرفتار فقر و انفجار جمعیت‌اند و در سازمان ملل بیش از دو سوم کشورهای عضو را تشکیل می‌دهند.

### ۴.۳ مناسبات حقوق بشر و حقوق شهروندی

میان فرایندهای تاریخی توسعه حقوق بشر و حقوق شهروندی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. به همان نسبت که حقوق شهروندی مطرح می‌شد، حقوق بشر نیز به تناسب آن رشد کرد. حقوق بشر را می‌توان شکل توسعه یافته حقوق طبیعی خواند که به تناسب ظهور سکولاریسم و دموکراسی در غرب زمینه ظهور و رشد پیدا کرد. انقلاب فرانسه مثل هر انقلاب اجتماعی دیگری در مرزهای ملی محدود نماند و به وسیله ناپلئون و همراهان وی به ماوراء صادر شد. ارزش‌های شهروندی که این انقلاب در اروپا توسعه داد، خود زمینه‌ساز بروز نوع جدید از حقوق برای بناء بشر شد که امروز به حقوق بشر موسوم است. بسیاری از خصائل حقوق بشر کنونی که ساختارهای قانونی آن از اعلامیه حقوق بشر (۱۹۴۸) شکل گرفته از اصول حقوقی منبعث از انقلاب فرانسه همخوانی و هماهنگی دارد. سایر اقدامات بشری به نوعی مضامین حقوق بشری را توسعه داد (همچون اعلامیه استقلال آمریکا، اعلامیه حقوق فرانسه و ...) نیز در زمینه‌سازی لازمه جهت توسعه حقوق بشر مؤثر افتادند (ن.ک: گلشن پژوه، ۱۳۸۸، ۸۸).

با این حال، تجربه بشری از حقوق بشر چندان همگون نبوده است. می‌توان گفت که طی سال‌ها تجربه مصادیق حقوق بشر، ابعاد آن توسعه پیدا کرد. مثلاً در آمریکا بیشتر مباحث حول حقوق بشر بر محور حقوق مدنی است (والتر، ۱۹۹۵). پیش از آن تا زمانی که تلاش برای مقابله با کشتار دسته‌جمعی و ژنوساید نظر علاقه‌مندان به حقوق بشر بود، محتوی نظامنامه حقوقی آنها حول حق حیات و نظایر آن دور می‌زد. به همان نسبت وقتی در کشورهای غربی بر موضوع حق تعیین سرنوشت سیاسی و یا در کشورهای سوسیالیست بر حقوق اقتصادی تأکید می‌شد، نه تنها حقوق بشر که حقوق شهروندی نیز ابعاد موسعی یافت. از این روست که پژوهشگر مدعی است میان توسعه حقوق بشر و حقوق شهروندی نسبت مستقیمی وجود دارد. هر چند که برخی تلاش می‌کنند این را امری تناقض‌تاما نشان دهند. (والتر، ۱۹۹۵).

اما نباید میان حقوق بشر و شهروندی رابطه این‌همانی ایجاد کرد. شاید یکی از مهمترین تمایزات این دو را بتوان در حوزه سرزمینی اعمال آن جستجو کرد. حقوق بشر ماهیتی جهانی دارد و لذا محدود به ملتی خاص، جغرافیایی خاص، حکومتی خاص، قومیت و یا فرقه‌ای خاص و ... نیست؛ مجموعه حقوقی است برای همه ابناء بشر که جهانشمول، غیرقابل تقسیم و غیرقابل تعلیق هستند. اما حقوق شهروندی برای ملتی خاص تعریف می‌شود که دارای حکومتی و تحت حاکمیتی خاص هستند. (والتر، ۱۹۹۵).

تمایز دیگر حقوق بشر و حقوق شهروندی در این است که معیارهای حقوق بشر عموماً توسط نهادهای بین‌المللی تعیین شده و به دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی توصیه شده است. اما حقوق و تکالیف شهروندی را قانون اساسی کشورها تعیین می‌کند (قوام، ۱۳۸۰: ۵۱).

### ۵.۳ مفهوم شهروند جهانی

منظور از شهروند جهانی مجموعه مختلفی از تعاریف است که تشابه زیادی با هم دارند. معمولاً مفهوم شهروند جهانی به فردی گفته می‌شود تعهد به هر گونه تقسیمات مبتنی بر جغرافیا را که بر شهروندی ملی تأکید دارد، رد می‌کند. این وضعیت تبیین کننده وضعیتی از حقوق و تکالیف است که در گستره‌ای جهانی و بر همه ابناء بشر قابلیت اجرا دارد.

اولین شکل خارجی شهروند جهانی در زمان دیاگونیس (که به عنوان بنیانگذار فلسفه بدبینی شناخته می‌شود) در ۴۱۲ قبل از میلاد مسیح بوده است. از وی سؤال شد که شما از کجا آمده‌اید و اهل کجا هستید. وی پاسخ داد من شهروند جهان هستم. چیزی که به آن کاسموپولیتین (جهان وطن‌گرا) گفته شده است. در آن شرایط یونان که تقسیمات اداری براساس دولت-شهری بود، یک مفهوم بنیان‌برافکن تلقی می‌شد.

اقدام بعدی شاید مربوط به شاعری به نام تامیل بوده که «برای ما تنها یک شهر وجود دارد. همه مردم برای ما اهمیت دارند. چندی بعد نیز یک فیلسوف سیاسی به عنوان توماس پین اعلام کرده بود «جهان کشور من است. همه نوع بشر برادران من هستند و خوبی دین من است. (جانسون، ۲۰۰۴: ۸۷)

آلبرت انیشتن نیز خود را یک شهروند جهانی معرفی کرده بود و از این ایده طی دوران حیات خود حمایت کرد. معروف است که گفته است ناسیونالیسم مشکل بچه‌گانه‌ای است. آن بیماری انسان‌ها است. با این حال این مفهوم به وسیله افرادی نظیر گری دیویس که به مدت ۶۰ سال هیچ تابعیتی نداشت توسعه پیدا کرد. دیویس در واشنگتن اداره خدمات جهانی را پایه‌گذاری کرد که برای اتباع کشورها پاسپورت جهانی صادر می‌کرد. البته این پاسپورت اعتباری نداشت. (در سال ۱۹۵۶ نیز هیوگ شانفیلد شهروندان جهانی مشترک‌المنافع را پایه‌گذاری کرد که بعدها در زبان اسپرانتو جمهوری مونسویوتان خوانده می‌شد. این نهاد نیز پاسپورت صادر می‌کرد اما بعد از دهه ۱۹۸۰ کنارزده شد.

از جمله اندیشمندان دیگری که از ایده شهروند جهانی حمایت کرد اچ ولز (انگلیسی) بود. وی اصول دیدگاه‌های خود را در کتاب تاریخ تمدن جهان به نگارش درآورد که همانند بسیاری از ایده‌آلیست‌های هم عصر خود گرایش به شکل‌دهی یک جامعه جهانی بدون مرز بود. علاوه بر لیبرال‌های جهانگرا سایر اندیشمندان روابط بین‌الملل من جمله طرفداران مکتب انگلیسی بودند که از این ایده حمایت می‌کردند.

تولی سه ویژگی را برای شهروند جهانی برشمرده است. اول اینکه یک فرد یک شهروند است و دلیل آن وجود یک سری حقوق وظایف است. با وجود برابری‌های و نابرابری‌های اساسی که به واسطه وجود نظام‌های حقوقی مدنی متفاوت است، تحمیل و اجرای مؤثر قانون به واسطه وجود جایگاه شهروندی است. دوم اینکه به عنایت به عنصر دمکراتیک برای شهروندان، آنها حق مشارکت برای شکل‌دهی قوانین را عموماً از سه طریق نهادهای انتخاباتی، سیستم قضایی و دادگاه‌ها و جامعه مدنی (رسانه‌ها، مطبوعات و ...) دارند. سوم اینکه آنها از طریق عضویت در نظامهای داوطلبانه غیر دولتی به صورت داوطلبانه مثل جامعه مدنی بین‌المللی به تحقق زیست جهانشمول کمک می‌کنند (تالی، ۲۰۰۵: ۵۶).

شهروندان در عصر جهانی عموماً در اقدامات مستقیم دخالت دارند و ضمن وابسته بودن به جنبش‌های جدید اجتماعی، معمولاً کمتر در فعالیت‌های سیاسی قدیم و بیشتر در فعالیت‌های سیاسی جدید در چارچوب احزاب و اتحادیه‌ها و سندیکاها و ... شرکت می‌نمایند (قوام، ۱۳۸۰، ۵۵).

با این حال همچنان این ایده که محتوی متونی که در مورد شهروند جهانی نوشته شده، غرب محور است به‌عنوان مهمترین انتقاد به نظام حقوق بشر و شهروند جهانی در حال رشد مطرح است. از این دیدگاه که به نوعی برآمده از نگرش پست‌مدرن‌ها و فراساختارگرایان است (که البته از سوی کشورهای غیر غربی هم مورد توجه و حمایت است) معتقد است که میراث شهروند جهانی کاملاً منطبق با حقوق بشر غربی تعریف شده و نظام حقوق و وظایف اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای، سیاسی-امنیتی و ... را وارد مسیر فرعی (غربی شدن) می‌کند که در نتیجه آن بحرانی در وضعیت شهروندی پدید می‌آورد (تالی، ۲۰۰۰: ۱۱).

### ۶.۳ عوامل شکل دهنده شهروند جهانی در پرتو جهانی شدن

این سؤال مطرح است که کدام یک از فرایندهای جهانی شدن موجب شکل‌دهی شهروند جهانی می‌شود. این مورد را می‌توان به بحران هویت بازیابی هویتی، معضلات امنیتی جهانی، واگذاری برخی از وظایف و اختیارات دولت‌ها به نهادهای فراملی، نقش ویژه‌ای سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی (INGO) و رسانه‌ها ارجاع داد.

### ۷.۳ موقعیت دولت در عصر جهانی

برای مدت طولانی، در حدود یک قرن، و نه از عصر سخاوتمندترین ایالات و ستفالیها، تا حد امکان، وضعیت این ایالت در مرکز میلیون‌ها حاکم آن و قدرت کافی در کشور است. در شرایط ایالت تونس و ولایات آن عینک و کنترل بر آن و قوانین دستمزد و مزد آنها داشته باشید. با تعجیل و تشدید تلاش‌های جهانی، علاوه بر فارسی‌سازی قدرت دولت‌هایش، نفوذ حاکمان و محدودیت‌های حاکمیت آن. این یک اقدام غیر دولتی است و قدرت یک دولت چقدر است. البته نمی‌توان پاسخی به حکومت بازی با مجموع پیوندهای صفر بین بازیگران گردلای و حاکم بودایی تحمیل کرد. از سوی دیگر، بین دو سطح قدرت دولت، شرکت‌ها و پایان بین افرادی که دارای قدرت دولت هستند و حاکمان دولت، و حاکمان دولت محدود هستند، تشابهاتی وجود دارد. قدرت ماهها در مورد توزیع دولت چنین است. حتی در ماشین هم موجود نیست. تاثیر کمی بر سیاست داشتند دارد. البطاح براهی وضعیت این کشور را تجسم می‌کند. حاکمیت ملی هوستان. از نظر کلاسیک، قاعده جامع قدرت و قدرت مطلقه در قلمرو خاص. از دیدگاه رای دهندگان تاریخی که مبتنی بر بقایای رای دهندگان سیاسی جدیدتر است و از نظر انتخاب کنندگان جدید. در این شرایط حاکمان یا محدودیت‌های بیرونی، از طریق استکبار خاص سلطه و کنترل، از مسیر بندگی داخلی هستند. اما چون نقشی طولی، مترقی، لجام گسیخته و نظارتی است، بوروکراسی از طریق مکان یابی و اجرای قانون به دلایل فردی که معروف و مشخص است، محور و مشروعیت دارد. البته این در دنیا خیلی مهم است، در هست و در ماشین از نقاط کناری مهم و مکمل هم هستند.

### ۸.۳ جهانی شدن شهروندان

شهروندان در عصر جهانی شدن کسانی هستند که اکثراً در فعالیتهای جدید سیاسی نظیر عملیات مستقیم دخالت دارند و ضمن وابسته بودن به جنبشهای جدید اجتماعی معمولاً کمتر در فعالیتهای سیاسی قدیم و سنتی در چارچوب سیاسی و اتحادیه‌ها، سندیکاها و جز اینها شرکت مینمایند.

همان گونه که اشارت رفت دولت به عنوان یکی از مظاهر مدرنیته پس از تعارضات و سازواری‌ها و طی فرایند نوسازی طولانی و فراگرد ملت سازی ظهور پیدا کرده است ولی با ورود به عصر جهانی شدن همان گونه که در گذر از جوامع سنتی به مدرن و از اجتماع به جامعه در فرایند ملت و دولت سازی چالشهای فراوانی میان گرای و عام‌گرایی صورت گرفت و سرانجام به پیروزی دولت ملت انجامید با تعارضات و کشمکشهای وسیعی نیز برای حفظ هویت واحدهای ملی و خاص‌گرایی در مقابل عام‌گرایی ناشی از جهانی شدن مواجه می‌شویم. نباید فراموش کرد که این فرایند در میان جوامع پیشامدرن مدرن و پست مدرن به اشکال گوناگون مشاهده می‌شود زیرا جملگی جوامع مختلف به یک شکل و صورت در معرض جهانی شدن قرار نمی‌گیرند. به همین دلیل تحت این شرایط واکنش شهرها و روستاهای جهان نسبت به این فرآیند متفاوت بوده است. زیرا هر یک از جوامع مزبور به نسبتها و تحت شرایط متفاوتی در معرض روند جهانی شدن قرار گرفته اند.

به طور کلی با فروپاشی تدریجی مدرنیته ما شاهد ظهور مفاهیم جدیدی از رابطه میان شهروندی و حقوق بشر هستیم این تحول مدیون نقد پست مدرن از خویشتن است. تحت این شرایط از آنجایی که حقوق بشر حالت انتزاعی خود را از دست داده بنابراین در عمل به صورت ملموس تری قابل درک می‌باشد. بارزترین نمود این وضع ظهور نوعی کثرت‌گرایی قانونی و تأثیر متقابل حقوق ملی و بین‌المللی است. به موازات این تحولات تعارضات جدیدی را میان اصل انتزاعی برابری مشاهده میکنیم که خود در جوامع چند فرهنگی در شرایط طرح شهروندی جهانی چالش جدیدی به وجود آورده است. فرضیه‌ها

- هر چه زندگی شهروندان بیشتر جهانی شود، مشارکت سیاسی آنان افزایش می‌یابد.

- هر چه زندگی شهروندان بیشتر جهانی شود، همکاری و انسجام آن‌ها با دولت کاهش می‌یابد.

هر چه زندگی شهروندان بیشتر جهانی شود، اعتماد سیاسی آنان کاسته می‌شود.

#### ۴. روش پژوهش

روش تحقیق، پیمایش و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. جامعه آماری شهروندان ۲۰ سال به بالای ایران (شهر تهران) بودند. حجم نمونه ۳۰۰ نفر که به وسیله فرمول کوکران برآورد شد. شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و واحد تحلیل نیز فرد بود. برای به دست آوردن میزان پایایی سؤالات پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد، هم‌چنین اعتبار صوری با مراجعه به داوران و کارشناسان به دست آمده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده گردید.

#### ۵. یافته‌ها

۵.۳.۲ (52.3 درصد) مطالعه شوندگان زن (۴۷.۷ درصد) مرد بودند. (۳.۳۹ درصد) مجرد و (۳.۶۰ درصد) متأهل می‌باشند. میانگین سنی و تحصیلات آنان به ترتیب ۳۴ سال و ۱۴.۵ کلاس بوده است. سیاست با دو سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. اطلاعات سیاسی پاسخگویان در حد بالایی قرار دارد. سرمایه‌گذاری با ۶ سؤال مورد سنجش قرار گرفته است. میزان همکاری پاسخگویان در حد متوسط بوده است. پیشرفت اقتصادی یکی دیگر از ابعاد جهانی شدن است که با ۱۲ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. میزان پاسخگویان در حد متوسط بوده است. تولیدات صنعتی با ۲۰ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. تولیدات صنعتی به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق بوده است که از طریق ۲۰ سؤال که به صورت scale بوده، مورد سنجش قرار گرفته شده است. از طریق compute کردن میانگین تولیدات صنعتی پاسخگویان ۱۰۹.۱۱ به دست آمده و حداقل پاسخ به سؤال ۲۸ و حداکثر ۱۷۲ بوده است و با استفاده از حداقل و حداکثر، داده‌ها را به رتبه‌ای تبدیل کرده‌ایم و طبق داده‌های تحقیق از ۳۰۰ پاسخگو که به تمام گویه‌های مربوط پاسخ داده‌اند، ۱۵۰ نفر (۵۰ درصد) دارای میزان سرمایه متوسط، ۱۰۹ نفر (۳۶.۳ درصد) میزان سرمایه بالا و ۴۱ نفر (۱۳.۷ درصد) دارای میزان سرمایه پایین بوده‌اند. می‌توان گفت که سرمایه در حد متوسط می‌باشد. جهانی شدن زندگی فرهنگی، یکی از سه بعد جهانی شدن زندگی می‌باشد که متغیر مستقل را می‌سنجد. این بعد با ۳۱ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. این تحقیق میزان جهانی شدن زندگی فرهنگی شهروندان تهرانی را در حد متوسط به دست آورده است. جهانی شدن زندگی اقتصادی، با ۳ سؤال مورد سنجش قرار گرفته است. در این تحقیق میزان جهانی شدن زندگی اقتصادی شهروندان تهرانی در حد متوسط می‌باشد. جهانی شدن زندگی سیاسی، از طریق ۶ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. شهروندان تهرانی از نظر جهانی شدن زندگی سیاسی در حد بالایی قرار دارند. در مجموع جهانی شدن زندگی به عنوان متغیر مستقل در این تحقیق می‌باشد، که با ۴۰ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است از طریق compute کردن میانگین جهانی شدن ۱۸۸.۵۹ به دست آمده و حداقل پاسخ به سؤال ۶۴ و حداکثر ۳۲۵ بوده است و با استفاده از حداقل و حداکثر، داده‌ها را به رتبه‌ای تبدیل کرده‌ایم و طبق داده‌های تحقیق از ۳۰۰ پاسخگو که به تمام گویه‌های مربوط به جهانی شدن پاسخ داده‌اند، ۱۹۱ نفر (۶۳.۷ درصد) در حد متوسط، ۵۸ نفر (۱۹.۳ درصد) در حد کم و ۵۱ نفر (۱۷ درصد) در حد پایین هستند. بنابراین در کل می‌توان جهانی شدن رادر میان شهروندان تهرانی در حد متوسط دانست.

همبستگی جهانی شدن دولت و شهروندان در کشور در حال توسعه:

آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که گرچه از نظر پاتنام جهانی شدن زندگی باعث می‌شود مشارکت اجتماعی کاهش یابد، اما نتایج این تحقیق نظر او را تأیید نمی‌کند. زیمل، گیدنز و فوکویاما معتقدند که جهانی شدن زندگی باعث می‌شود که اعتماد اجتماعی کاهش یابد و این فرایند باعث دوری انسان‌ها از یکدیگر می‌شود. رابطه جهانی شدن و اعتماد اجتماعی معنادار می‌باشد، برخلاف نظر آن‌ها جهت رابطه مثبت و مستقیم است و شدت رابطه در حد متوسط می‌باشد. هم‌چنین پاتنام و کلمن معتقدند که با وجود جهانی شدن زندگی، همکاری اجتماعی کاهش می‌یابد. در این تحقیق نیز رابطه جهانی شدن و همکاری اجتماعی معنادار می‌باشد، اما برخلاف نظر آن‌ها جهت رابطه مثبت و مستقیم است و شدت رابطه نیز در حد متوسط می‌باشد.



جدول شماره (۱): ضریب همبستگی پیرسون

متغیرها	پیرسون	سرمایه	سیاست	همکاری
جهانی شدن زندگی	۱۰	۱۴	۱۴	۱۴
سطح معناداری	۷	۱	۱	۱

تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد، از ابعاد مختلف جهانی شدن فقط جهانی شدن زندگی فرهنگی تأثیرات مستقیم بر سرمایه اقتصادی می‌گذارد. با توجه به اندازه R دو مدل از توانایی بالایی در تبیین پراکندگی‌های متغیر وابسته برخوردار نیست. بنابراین خط رگرسیون توانایی تبیین پراکندگی‌های متغیر وابسته بر حسب تغییرات متغیرهای مستقل را دارد.

در مدل نظری فرض، بر این بود که سه بعد جهانی شدن کشور (دولت و شهروندان) بر سرمایه اقتصادی تأثیر دارند، اما مدل تجربی حاصل از اجرای آزمون تحلیل مسیر به ما نشان می‌دهد که فقط جهانی شدن سیاسی بر سرمایه اقتصادی تأثیر مستقیم دارد و ابعاد دیگر جهانی شدن، یعنی جهانی شدن زندگی فرهنگی جهانی شدن زندگی اجتماعی بر سرمایه اقتصادی تأثیرات غیر مستقیم داشته‌اند. جهانی شدن زندگی سیاسی با بتای (۰,۲۵) به صورت مستقیم و جهانی شدن زندگی اقتصادی (۰,۴۱) به صورت غیر مستقیم و متغیر جهانی شدن زندگی اجتماعی (۰,۲۲) نیز به صورت غیر مستقیم بر میزان سرمایه اقتصادی تأثیرگذار می‌باشند .

## ۶. بحث و نتیجه گیری

این تحقیق موقعیت دولت و شهروندان در عصر جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه (مطالعه موردی ایران) را سنجیده است. جهانی شدن به عنوان متغیر مستقل در سه بعد جهانی شدن زندگی، جهانی شدن زندگی سیاسی و جهانی شدن زندگی اقتصادی سنجیده شده است. در ابتدای این تحقیق سه سؤال مطرح شد:

۱. میزان جهانی شدن در میان شهروندان تهرانی چه اندازه می‌باشد؟ ۲. میزان سرمایه اقتصادی در میان شهروندان تهرانی چه اندازه می‌باشد؟ ۳. جهانی شدن چه تأثیری بر میزان رابطه شهروندان و دولت گذاشته است؟

جهانی شدن یک فرایند واقعی و جبری است و به معنای تعامل و نزدیکی بیشتر از جمله فرهنگ‌ها می‌باشد. این تحقیق نشان داد که جهانی شدن زندگی در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان تهرانی رخ داده است و در حد متوسط رو به بالا بوده است. جهانی شدن زندگی سیاسی در حد بالا و جهانی شدن زندگی اقتصادی و فرهنگی در حد متوسط قرار دارد و نتایج این تحقیق در قسمتی که جهانی شدن زندگی فرهنگی و اقتصادی مورد سنجش قرار گرفت، نشان داد که جامعه ما اگر چه گرایش‌های مذهبی دارد ولی می‌توان گفت که شهروندان از مدرن‌ترین و بهترین وسایل (یخچال، اتومبیل، تلویزیون) استفاده می‌کنند، و این نشان می‌دهد که افراد می‌خواهند جدیدترین کالاهای جهان را در اختیار داشته باشند. تحقیقات زهرا بیدگلی نیز نشان داد که دیر زمانی است که جامعه ما در معرض مدرنیته و نوسازی واقع شده است، بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق نیز زندگی شهروندان تهرانی تا حدودی جهانی شده است. افراد از یک کامپیوتر شخصی و تقریباً همه از یک موبایل برخوردارند که در سال‌های گذشته وجود نداشته است. طرز نگرش و دیدگاه افراد در مورد مسائل مختلف (از جمله ازدواج، تعداد فرزند، نحوه گذران اوقات فراغت، مدیریت بدن) و در کل می‌توان گفت که شیوه زندگی افراد، استفاده از وسایل فناوری اطلاعات تغییر نموده است. قسمت جهانی شدن زندگی سیاسی نشان داد که افراد از نظر گرایش سیاسی نیز تغییر کرده‌اند، افراد باور به آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی نقد و آزادی عقیده دارند و آن را نیاز جامعه خود می‌دانند .

از هر موضع فکری به جهان در دهه‌های اخیر بنگریم تغییراتی که زمان و مکان و فاصله‌ها را تحت تاثیر قرار داده، مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد جهانی کاملاً متفاوت در حال شکل‌گیری است. در میان، یا در ذیل همه این تحولات، دگرگونی‌ها و تلاطم‌ها، بخش‌های عمده‌ای از انسان‌ها هم‌چنان همانند گذشته ظاهراً ابدی خود گام‌های ابدی بر می‌دارند. اگر تلاش برای عرضه تصویر و تبیین جامع از فرآیند جهانی شدن و اثرات آن نیاز و ضرورتی استراتژیک نباشد، دست کم می‌توان گفت که ضرورتی اخلاقی است که از رسالت جامعه‌شناسی بر می‌خیزد. جامعه‌شناسی که همواره و به طور پنهان و آشکار دغدغه‌ای اخلاقی داشته و مدعی جستجوی منابع و راه‌هایی برای پیشبرد و تسریع فرآیندهای بشر بوده، باید به انسان‌ها بیاموزد که در فرآیند تحلیل رفتن نهادهای سنتی و هویت بخش و ادغام در شبکه‌های غیر شخصی و سیال چگونه ابزارهای جدیدی برای کسب و حفظ سرمایه اجتماعی پیدا کنند.

عصر جهانی شدن با شدت و ضعف‌های گوناگون موقعیت دولت ملی را دستخوش دگرگونی نموده عناصر متشکله آن از جمله، ملیت، سرزمین حکومت و حاکمیت و نیز تعاملات میان آنها را متحول نموده است به گونه‌ای که رابطه سنتی میان مشروعیت کارآیی استقلال و اقتدار به هیچ وجه نمیتواند مبین موقعیت دولت در عرصه داخلی و بین‌المللی باشد. تحت این شرایط روابط میان شهروندان و دولت را نمیتوان به مثابه گذشته بر اساس ارتباطات و وفاداریهای سنتی توضیح داد. زیرا همانگونه که به آن اشارت رفت عناصری مانند هویت مسؤولیت، حقوق و مشارکت که زمانی به صورت یک کل یک پارچه و لایتجزا مورد توجه قرار می‌گرفتند، اینک تجزیه شده و به سختی میتوان روابط میان اجزای مزبور را به مثابه گذشته بررسی نمود زیرا این وضعیت حاکی از تجزیه گفتمان شهروندی است. در حقیقت موقعیت شهروندی در شکل بسیط آن که منعکس کننده جغرافیای سیاسی (ژئوپلتیک) و جغرافیای فرهنگی (ژئوکالچر) دولت ملی بود فضای مفهومی خود را از دست داده به گونه‌ای که اینک حقوق در گفتمانهایی که خارج از دسترسی قانونی دولت باشد نجم می‌یابد. تحت این شرایط مسؤولیت در چارچوب گفتمان الزام شخصی که عمده‌تاً روی دولت تأکید دارد به گفتمان هم مسؤولیتی و هم دردی برای طبیعت برای نسل‌های بعد تغییر جهت میدهد.

در هر صورت در عصر جهانی شدن دولت جدید باید بتواند به نحو کارا عمل کرده، قادر به سازواری با تحولات و تغییرات نظام‌های داخلی و خارجی باشد و ضمناً ساختارهایی را برای تسهیل این وضع متحول سازد. از همه مهمتر آن که باید بتواند در بازیهایی جدید سیاسی نقش آفرینی نموده و از فضاها حداکثر بهره برداری را بکند. امروزه در فرایند جهانی شدن پیوند میان عوامل داخلی و خارجی به حدی زیاد است که دولت باید در مورد نقش و ساختارهای خود بازاندیشی کرده و برای مواجهه با نیازهای رو به تزاید شهروندان و ظهور منافع جدید و نیز ایجاد تنش‌ها خود را تجدید سازمان دهد.

لازم به تذکر است که در اینجا نوع ایده آل دولت جدید جنبه جهانی نداشته، در عین حال نهاد مزبور فاقد مختصات مدل کلاسیک دولت ملت میباشد شاید بتوان گفت که در عصر جهانی شدن دولتهای جدید به نحوی از انحاء ویژگیهای مدرن و پست مدرن را در خود جای خواهند داد. باید یادآور شد که در مدل تعدیل شده کارگزاری، منافع دولت متأثر از صنف‌گرایی نوین به جای میانجیگری میان کار و سرمایه این نقش را میان مصرف کنندگان و تولید کنندگان ایفا خواهد نمود.

ارتقاء توان بهره‌برداری مفید و موثر از فن‌آوری‌های ارتباطی نوین و امکان تعامل بین فرهنگ‌ها در محیط جهانی و شناخت جنبه‌های آسیب‌آفرین فناوری‌های جدید یکی از این تدابیر است. تقویت و ارتقاء مردم‌سالاری و بالا بردن فرهنگ سیاسی و نگرش‌های مدنی مردم و حضور آن‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی راهکار دیگری است. لزوم مشارکت در فرایند جهانی شدن، گذر کردن از اقتصاد دولتی است و هم‌چنین تقویت اقتصاد باز و آزاد و تقویت ظرفیت داخلی و هم‌چنین بازسازی هویت و پاسداری از آن از جمله مهم‌ترین راهکارهای گریز از بحران هویت در عصر جهانی شدن می‌باشد، پیشنهاد می‌شود.

### منابع

- بیدگلی، ز. (۱۳۸۲). بررسی جامعه‌شناختی میزان تفکر مدرن (دبیران خانم شهر تهران). رساله دکترا، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.  
بیرو، آ. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر، ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان. چاپ دوم.  
بیرو، آ. (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر، ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان. چاپ چهارم.  
بهنام، ج. (۱۳۸۳). ایرانیان و اندیشه تجدد. تهران: نشر و پژوهش فروزان روز. چاپ دوم.

- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تأمین اجتماعی. مجموع مقاله‌های نخستین سمپوزیسم سرمایه اجتماعی در رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۱۵۵.
- تاج‌الدین، م؛ و محمدرضا، سعیدی. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی اجتماعی. تهران: نشر مؤسسه فرهنگی و هنری راه‌دانه.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه: محمدتقی، دلفروز. تهران: نشر غدیر.
- خواجه نوری، ب؛ و علی‌اصغر، مقدس. (۱۳۸۸). رابطه بین تصور از بدن و فرایند جهانی شدن مطالعه موردی زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان، جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیستم.
- خواجه نوری، بیژن؛ علی، روحانی؛ و سمیه، هاشمی. (۱۳۹۰). سبک زندگی و مدیریت بدن، فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی زنان. سال دوم، شماره ۴.
- دیوب، اس، سی. (۱۳۷۷). نوسازی و توسعه. ترجمه: احمد، موثقی. تهران: نشر قومس.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. مترجم: محسن، ثلاثی. تهران: نشر نی. چاپ ۳.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۶). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. مترجم: محسن، ثلاثی. تهران: نشر نی. چاپ ۱۲.
- ریتزر، ج؛ و داگلاس جی، گودمن. (۱۳۹۰). نظریه جامعه‌شناسی مدرن. ترجمه: خلیل، میرزایی. عباس لطفی‌زاده. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- رابرتسون، ر. (۱۳۸۵). جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی. ترجمه: کمال، پولادی. تهران: ثالث.
- زاهدی، م، ج. (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری. تهران: نشر مازیار.
- شهرام‌تیا، الف، م. (۱۳۸۶). جهانی شدن و دموکراسی. تهران: نشر نگاه معاصر. چاپ اول.
- شارع‌پور، م. (۱۳۸۸). سنجش سرمایه اجتماعی در نقاط شهری استان گلستان.
- شجاعی‌زند، ع. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، تهران: مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ششم، شماره ۱، ص ۳۴.
- شایگان، د. (۱۳۸۰). افسون‌زدگی جدید. ترجمه: فاطمه، ولیانی. تهران: فروزان روز.
- شمسینی غیاثوند، ح. (۱۳۸۵). نشانگان عرفی‌سازی در گفت‌وگوهای سیاسی متعارض ایران. دانشگاه تهران: رساله دکترا.
- شکریبیگی، ع. (۱۳۷۸). مطالعه جامعه‌شناختی تجددگرایی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی (پژوهشی در شهر تهران).
- علی‌پور، پ. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران. تهران: شماره ۱۰.
- علوی‌تبار، ع، ر. (۱۳۷۹). مشارکت در اداره امور شهرها. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- فیلد، ج. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه: غلامرضا، غفاری؛ و حسین، رضائی. تهران: نشر کویر.
- فتیحی و اجارگاه، ک. (۱۳۸۱). برنامه درسی تربیت شهروندی، الویتی پنهان برای نظام آموزش و پرورش ایران، پژوهش علوم انسانی. دانشگاه اصفهان: شماره ۱۴.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۴). چشم‌انداز جهانی. ترجمه: محمدرضا، جلائی‌پور. تهران: نشر طرح نو.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر، صبوری. تهران: نشر نی. چاپ ۱۳.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر، صبوری. تهران: نشر نی. چاپ ۲۲.
- گل‌محمدی، الف. (۱۳۸۰). تجدد، جهانی شدن و هویت خاص‌گرایی فرهنگی در جهان معاصر. پایان‌نامه دکترا.
- گل‌محمدی، الف. (۱۳۸۱). تعاریف و ابعاد جهانی شدن، فصلنامه مطالعه ملی. سال سوم، شماره ۱۱.
- گل‌محمدی، الف. (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت. تهران: فصلنامه مطالعات ملی. سال سوم، شماره ۱۰.
- ۳۳- میرمحمدی، د. (۱۳۸۱). جهانی شدن، ابعاد و رویکردها. تهران: فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۱۱، سال سوم.
- مشهدی، ف. (۱۳۸۸). نقش خانواده در سرمایه اجتماعی فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تبریز.
- مؤمنی، ح؛ و همکاران. (۱۳۹۲). اینترنت و هویت ملی. فصلنامه مهندسی فرهنگی. سال هشتم، شماره ۷۶.
- سیدنورانی، م، ر. (۱۳۷۹). جهانی شدن و کشورهای در حال توسعه در ایران. تهران: انتشارات اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۵۵ و ۱۵۶.

نوذری، ح، ع. (۱۳۷۹). صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته بسترهای تاریخی و زمینه‌های تکامل اجتماعی. تهران: نشر نقش جهان. چاپ سوم.

همیلتون، م. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی دین. ترجمه: محسن، ثلاثی. تهران: نشر ثالث. چاپ دوم.

هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴). جهانی شدن و آینده دموکراسی، منظومه پساملی. ترجمه: کمال، پولادی. تهران: نشر مرکز.

براندا، مورفی؛ و والن، هالی. (۱۳۸۲). مدیریت بحران و سرمایه اجتماعی. بی‌جا، بی‌تا، صص ۲۶۳-۲۶۲.

Partridge, Christopher. (2004). Alternative spirituality, new Religions and the Reenchantment of the west. Oxford Hand book of New Religious movments, ed. James R. lewis, oxford university press, New York.

Panave of dysay. (2009). Globalization; innovation and social capital. the changing face indo-french cooperation in science and technology of policy studies; faculty of social sciences its javaharlal university